



دوره سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۱

## حضور نماینده دادستان در دادگاه و تأثیر آن بر دادرسی عادلانه

باقر شاملو<sup>۱</sup>، علیرضا سایبانی<sup>۲</sup>، محمدرضا نضافت<sup>۳\*</sup>

۱. دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد بندر عباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندر عباس، ایران.

۳. دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد بندر عباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندر عباس، ایران. (نویسنده مسؤول)

### چکیده

نقش نماینده دادستان در بررسی پرونده‌ها با توجه به موضوع آن حتی در جرائم مشابه متفاوت است. وی فرایند دادرسی را به دادستان گزارش داده و از این طریق دادستان در مسیر تحولات پرونده قرار می‌گیرد. از این رو در این پژوهش به بررسی و تحلیل پرونده‌های متعددی پرداخته شده و با بیان رأی صادر شده از دادگاه، به بررسی این موضوع که عدم حضور دادستان یا نماینده وی در جلسه رسیدگی موجب نقض رأی خواهد شد یا خیر، می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد برخلاف سابق، دادستان و نماینده وی، بر آن می‌دارد تا در جلسات دادگاه، علاوه بر دفاع از کیفرخواست و ادله تحصیل شده با لحاظ و رعایت اصل برابری سلاح‌ها، حقوق طرفین دعوی و جامعه را تضمین کند و در نهایت با مدنظر قرار دادن اصل فردی کردن مجازات‌ها در صورت استحقاق متهم، بر روند دادرسی اثر گذاشته و موجبات بهره‌مندی وی از نهادهای ارفاقی را فراهم نماید.

### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۴۵-۵۸

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: .....

تلفن: .....

ایمیل: m.r.nezafat1400@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۰۷

تاریخ ویرایش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

برابری سلاح، جلسه دادگاه، دادرسی

عادلانه، قانون، نماینده دادستان.



## مقدمه

یکی از ویژگی‌های نظام‌های دادرسی مختلط که نظام عدالت کیفری ایران نیز به این نظام شباهت دارد، تفکیک نهاد تعقیب، یعنی دادرسی از دادگاه است. این تفکیک که به منظور رعایت اصل بی‌طرفی پیش‌بینی شده است؛ متضمن این است که دادرسی و مقامات آن، بازپرس و دادستان، تحقیقات مربوط به جرم را تکمیل کرده و در صورتی که مقام تحقیق اعتقاد به مجرمیت متهم داشته باشد، با صدور قرار جلب به دادرسی و متعاقب آن در صورت موافقت دادستان، با صدور کیفرخواست، از دادگاه برای وی، درخواست مجازات می‌کند. رسیدگی در دادگاه کیفری توافقی بوده و قاضی دادگاه کیفری می‌بایست در عین بی‌طرفی با توجه به ارزیابی دلایل طرفین دعوی، یعنی دادستان یا نماینده او به عنوان نماینده جامعه، بزه‌دیده و متهم حکم مقتضی را صادر کند (قورچی‌بیگی، ۱۳۹۵: ۱۰۴).

اصولاً دادستان باید با حضور فعالانه در جلسه دادگاه، هم از کیفرخواست خود دفاع نماید و هم با حضور در طول جلسات دادگاه، در مقام دفاع از کیفرخواست خود، به ترافغ با متهم درآید. در عمل، در نظام کیفری ایران و در دادگاه‌ها، دادستان یا نماینده وی یا حضور ندارند و یا حضور فعالانه ندارند و دادستان خود را مجاب به دفاع از کیفرخواست خود نمی‌داند. صرف‌نظر از مسائل مربوط به کمبود نیروی انسانی و محدودیت‌های عملی که نمی‌تواند دلیل موجهی باشد، یکی از دلایل عدم حضور فعال دادستان در جلسه‌های دادگاه، می‌تواند ریشه در تشکیلات ساختاری نظام دادرسی کیفری ایران داشته باشد؛ انتصاب دادستان و قاضی دادگاه کیفری از طرف قوه قضائیه تا حدودی اصل تفکیک این دو نهاد را که به آن اشاره شد، مورد تردید قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، این ذهنیت در نظام کیفری و در میان دست‌اندرکاران این نظام شکل گرفته است که نظر قاضی دادگاه نیز به نظر دادستان نزدیک است؛ این ذهنیت موجب تحمیل تلاش دوچندان به متهم برای اثبات بی‌گناهی خود می‌شود (قورچی‌بیگی، ۱۳۹۵: ۱۰۵)؛ هرچند که امروزه اتخاذ تصمیمات و آراء قضایی محاکم کیفری برخلاف نظر و قرارهای نهایی صادره از سوی مقامات دادرسی، این ذهنیت را تا حدودی مخدوش کرده است. اصولاً حضور دادستان یا نماینده او در دادرسی از عوامل مهم یک دادرسی عادلانه و رعایت هرچه بهتر حقوق بزه‌دیده و بزه‌کار است. در این مقاله با بررسی مبانی، شرایط و آثار حضور نماینده دادستان در جلسات دادگاه و

ویژگی‌های یک دادرسی عادلانه، به بررسی موضوع تحقیق پرداخته می‌شود.

## ۱- مفهوم‌شناسی تحقیق

## ۱-۱- مفهوم دادرسی عادلانه

دادرسی عادلانه وصف ترکیبی است که برای ارائه تعریف دقیق از آن، واکاوی هر جزء آن مفید به نظر می‌رسد. دادرسی به معنای «رسیدگی و تصمیم‌گیری قضایی درباره موضوعات میان طرفین دعوا، چه امور حکمی و چه موضوعی، در دادگاهی صلاحیت‌دار» یا «رسیدگی قضایی به امور موضوعی و حکمی میان طرفین، در دعوی کیفری یا مدنی، نزد دادگاهی صلاحیت‌دار» (فضائلی، ۱۳۸۹: ۴۷)، به کار رفته است. مفهوم عادلانه نیز به عنوان جزء دوم وصف ترکیبی دادرسی عادلانه در لغت به معنای «رفتار برابر و مطابق با قواعد و حقوق با هر شخص یا طرف» به معنای «معقول و عادلانه یا متناسب با شرایط» است، لیکن در ادبیات قضایی و در لسان حقوقی به معنای دارا بودن وصف بی‌طرفی و درستی، عدم تعقیب و جانب‌داری و نفع شخصی، عادلانه، منصفانه و برابری میان طرفین دعوا به کار برده شده است (فضائلی، ۱۳۸۹: ۵۰). به طور کلی دادرسی عادلانه شامل مجموعه معیارها و تضمیناتی است که به منظور رعایت حقوق طرفین در فرایند دادرسی انواع دعاوی نزد دادگاهی صلاحیت‌دار، مستقل، بی‌طرف و قابل پیش‌بینی در مکانیزم قضایی پیش‌بینی شده است (رستمی و همکاران، ۱۳۸۹).

## ۱-۲- اصول دادرسی عادلانه

دادرسی عادلانه شامل مصادیق متعددی است که هر فردی در فرایند دادرسی اعم از کیفری و مدنی از آن برخوردار است. برخی مصادیق دادرسی عادلانه از جمله حق دادخواهی، دسترسی به دادگاه‌های بی‌طرف و مستقل و... عمومیت دارند و در انواع دعاوی مدنی و کیفری قابل اعمال هستند و برخی دیگر از جمله اصل برائت، تفهیم اتهام و... ناظر بر دعاوی کیفری می‌باشند. در این قسمت نیز به تضمینات عمومی و تضمینات ناظر بر دعاوی کیفری به عنوان اصول دادرسی عادلانه می‌پردازیم.

## ۱-۳- تضمینات عمومی

تضمینات عمومی شامل حق دادخواهی، استقلال و بی‌طرفی مرجع رسیدگی، برابری امکانات دفاع، برخورداری از تسهیلات

#### ۶-۱- برابری امکانات دفاع (تساوی سلاحها)

تساوی سلاحها حکایت از برابری طرفین دعوا در برخورداری از امکانات مساوی جهت دفاع از خود دارد که به موجب آن طرفین باید از حداقلهای حقوقی برخوردار باشند از جمله این که به طور یکسان به اسناد و مدارک پرونده دسترسی داشته باشند و از فرصت اعتراض برابر به ادله طرف دیگر برخوردار باشند. لازمه اعمال این حق نیز، تکلیف دادگاه برای استماع مدعی و ارائه فرصت‌های لازم به وی می‌باشد (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۸: ۱۵). این اصل به ویژه در جایی که یک طرف آن نماینده قدرت عمومی یعنی دادستان است، اهمیت دارد و سبب می‌شود عامل قدرت مانعی بر سر راه تحقق عدالت نگردد (رستمی و همکاران، ۱۳۸۹).

#### ۷-۱- اصل تقابل یا تناظر

دو طرفه بودن دفاع و امکان اعتراض به دفاع هر یک از طرفین توسط دیگری از عناصر لازم یک دادرسی عادلانه است (بند سه ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی). این امر در دادرسی کیفری مستلزم اطلاع متهم از نوع و علل اتهام به طور قانونی و در اختیار داشتن فرصت کافی جهت تمهید دفاع است (عباسی، ۱۳۹۰: ۳۳۵).

#### ۸-۱- حق رسیدگی حضوری و علنی

حق رسیدگی حضوری به موجب استماع دعوا و تقدیم دفاعیه محقق می‌گردد و این که رسیدگی حاکم به طور علنی صورت پذیرد. علنی بودن رسیدگی‌ها به معنای امکان حضور و اطلاع عامه مردم در فرآیند دادرسی است و این اصل ناظر بر کل فرآیند دادرسی اعم از مراحل رسیدگی و صدور احکام می‌باشد. البته این حق مطلق نیست، بلکه قابل تحدید است و به دلایل اخلاقی، نظم عمومی، امنیت ملی، اقتضائات و منافع و مصالح زندگی خصوصی افراد از جمله عوامل تحدیدکننده حق علنی بودن رسیدگی‌ها است (ساینموندس، ۲۰۰۰: ۳۷). تشخیص ضرورت غیرعلنی بودن جلسات رسیدگی به عهده دادگاه است (رید، ۲۰۰۴: ۹).

#### ۹-۱- حق تجدیدنظر خواهی

چنین حقی امکان حمایت از افراد در برابر اشتباهات قضایی را فراهم خواهد کرد. به موجب بند پنج ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی

و مهلت کافی دفاع، حق رسیدگی حضوری، حق تجدیدنظرخواهی، حق رسیدگی علنی، حق رسیدگی در مهلت معقول و اصل تقابل یا تناظر است.

#### ۴-۱- حق دادخواهی

وجود حق دادخواهی اقتضا می‌کند که هر فردی بتواند در زمانی که حق قانونی وی تضییع شد، به مرجعی صالح دسترسی داشته باشد و تظلم‌خواهی کند. مبنای وجود چنین حقی، اصل تساوی همگان در برابر قانون است که امکان دسترسی مساوی به دادگاه قانونی و صالح را نیز فراهم می‌نماید. به این ترتیب هیچ‌گونه تبعیضی براساس رنگ، جنس، نژاد، مذهب در دسترسی به دادگاه و مرجع رسیدگی قابل قبول نیست (ماده ده اعلامیه جهانی حقوق بشر). همچنین به موجب بند یک ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی حق دادخواهی به‌عنوان حق مسلم به رسمیت شناخته شده است و در مقابل دولت متعهد است کلیه امکانات و تسهیلات لازم و در اجرای حق مذکور را فراهم کند و امکان دادخواهی و تظلم‌خواهی برای همه وجود داشته باشد (عباسی، ۱۳۹۰: ۲۲۶).

#### ۵-۱- استقلال و بی‌طرفی مرجع رسیدگی

استقلال به معنای مصونیت از نفوذ و کنترل سیاسی و اجرایی است و شامل استقلال دادگاه به لحاظ ساختاری و اعمال صلاحیت و استقلال قاضی در مرحله انتصاب و در مقام انجام وظیفه است. بی‌طرفی نیز به معنای عدم پیش‌داوری یا جانبداری از یک طرف دعوا، حزب، گروه یا قوم خاص است و به عبارت دیگر قضاوت و هیأت منصفه نفع یا بهره شخصی در پرونده خاص نداشته باشند و فارغ از پیش‌فرض به موضوع رسیدگی کنند (رستمی و همکاران، ۱۳۸۹). یکی از نشانه‌های بی‌طرفی و استقلال دادگاه این است که به موجب قانون تشکیل گردد (ماده ۱۴ بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی و ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر). قوه قضاییه به عنوان ضامن برقراری عدل و مرجع تظلم‌خواهی عنصر مهمی در حمایت و پشتیبانی از حقوق و آزادی‌های مردم یک جامعه تلقی می‌گردد. نحوه نصب دادرسان، غیرقابل عزل و انتقال بودن آنها و اعتبار آراء قضایی صادره از سوی آن حکایت از استقلال قوه قضاییه دارد (عباسی، ۱۳۹۰: ۲۲۹).

۱۵۶، قوه قضائیه به‌عنوان قوه‌ای مستقل، پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت معرفی شده است و عهده‌دار وظایفی نظیر رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل‌وفصل دعاوی و رفع خصومات، احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع دانسته شده است.

#### ۱۳-۱- نقش دادیار در دادسرا

برای بررسی و پی‌بردن به فلسفه وضع و نحوه تفسیر بند «ز» ماده سه قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب و اینکه قرار صادرشده از سوی دادیار چه ارزشی دارد، نقش دادیار در قیاس با سایر مقامات قضایی تبیین و سپس تفاوت مقام تعقیب و مقام تحقیق بررسی می‌شود.

#### ۱۴-۱- نقش دادستان در دادسرا

اختیار دادستان در تعقیب موضوعات مربوط به حقوق اجتماع باید بدون رقیب باشد. حفظ یگانگی اختیار دادستان در تقسیم‌بندی‌های جغرافیایی با تنظیم مقررات راجع به تشخیص صلاحیت صورت پذیرفته است.<sup>۲</sup> اما در یک حوزه خاص نیز، دفاع از حقوق جامعه باید فقط برعهده یک مقام به‌عنوان دادستان قرار گیرد. از این رو دادستان که امکان طرح دعوی عمومی را نزد دادگاه دارد و با صدور کیفرخواست با تقدیم دادخواست در موضوعات کیفری یا حقوقی اقدام می‌کند.<sup>۳</sup>

#### ۱۵-۱- ارتباط دادیار و دادستان

پیش‌بینی مقام دادیار در دادسرا برای یاری دادن دادستان در هر دو نظام کیفری و حقوقی است.<sup>۴</sup> به این ترتیب بند «ز» ماده سه قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، ناظر بر مواردی است که دادیار امر تحقیق را به‌عنوان یک اقدام ذاتاً قضایی برعهده دارد. در این موارد دادیار می‌تواند نظری مستقل از نظر دادستان داشته باشد؛ امری که به‌موجب این مقرر «قرار دادیار» نامیده می‌شود. اما آن زمان که دادیار تکلیفی غیر از تحقیق پذیرفته، بند «ز» مذکور جایگاهی

حقوق مدنی و سیاسی در هر نوع دادرسی اعم از حقوقی، کیفری و اداری محکوم علیه حق دارد که محکومیت وی در دادگاه عالی مطابق قانون بازنگری شود. به این ترتیب اگر محکوم علیه نزد قاضی علیه قاضی دیگر اقامه دعوا نماید و ادعا کند که حکم قاضی اول ناعادلانه بوده بر قاضی موخر واجب است که در حکم قاضی مورد شکایت تجدیدنظر نماید (محمدی‌گیلانی، ۱۳۸۰: ۸۰).

#### ۱۰-۱- حق رسیدگی در مهلت معقول

این حق مستلزم رعایت سرعت لازم و بدون تأخیر ناموجه در رسیدگی است. تشخیص نامعقول بودن مهلت رسیدگی به اوضاع و احوال هر پرونده بستگی دارد و معمولاً عناصر مورد توجه در نقض این حق و تشخیص عادلانه یا غیرعادلانه بودن مهلت رسیدگی به پرونده، شامل مقررات قانون‌گذاری ملی، پیچیدگی‌های نظام‌های حقوقی، پیچیدگی‌های هر پرونده و فنی‌بودن برخی دعاوی، عدم سازماندهی صحیح و مناسب دادگستری، لزوم دخالت مراجع قضایی یا اداری متعدد در جریان رسیدگی و عدم وجود نیروی تخصصی مناسب، رفتار متهم و رفتار مقامات ذی‌صلاح هستند (لیچ، ۲۰۰۵: ۳۹۹).

#### ۱۱-۱- دادرسی عادلانه در نظام حقوقی ایران

رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی از جمله مهم‌ترین وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران معرفی شده است، همچنین تأمین حقوق همه‌جانبه افراد اعم از زن و مرد و تضمین امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون از وظایف جمهوری اسلامی ایران است (اصل ۳ قانون اساسی). قوانین عادی نیز براساس موازین اسلامی اصول دادرسی عادلانه را به‌رسمیت شناخته‌اند. هرچند در قوانین و مقررات داخلی ایران واژه دادرسی عادلانه تصریح نشده است.

#### ۱۲-۱- دادرسی عادلانه در قانون اساسی

مطابق اصل ۳۴ قانون اساسی «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هرکس می‌تواند به‌منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این‌گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ‌کس را نمی‌توان از دادگاهی که به‌موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد، منع کرد». وظیفه اجرای اعمال دادخواهی به قوه قضائیه سپرده شده است تا داد مظلوم را از ظالم بستاند. به‌موجب اصل

۲- ماده ۵۱ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری.

۳- به‌واسطه مصالحی خاص، تعقیب برخی جرایم بدون انجام تحقیقات در دادسرا مستقیماً در دادگاه انجام می‌شود (تبصره سه ماده سه قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب).

۴- تبصره پنج ماده سه قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب.

به‌عنوان یک امر قضایی است؛ زیرا تحقیق در یک موضوع خاص همواره باید یک متصدی داشته باشد. این استدلال برگرفته از همان گزاره عقلی راجع به لزوم وحدت متصدی در اجزای حاکمیت است. دلیل دوم آن است که در نظام حقوقی، دادسرا زیرمجموعه دستگاه قضایی می‌باشد؛ وفق ماده ۱۳ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، متصدیان امور در دادسرا شامل چهار مقام دادستان، معاون دادستان، بازپرس و دادیار همگی دارای پایه قضایی هستند.

#### ۱۸-۱- ارزش اظهارنظر مستقل دادیار

برخی بر این باورند که از ظاهر بند «ز» ماده سه قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب چنین مستفاد است که اظهارنظر دادیار پیش از موافقت دادستان فاقد ارزش می‌باشد (معاونت آموزش دادگستری تهران، ۱۳۸۲: ۱۴۹). این درحالی است که دادیار به‌عنوان یک قاضی در امر تحقیق، مستقل است؛ بر این اساس نمی‌توان اظهارنظر وی را فاقد ارزش دانست. قائلان به این دیدگاه معتقدند که از زمان موافقت دادستان، نظر دادیار ارزش یافته و به‌عنوان اظهارنظر ماهوی تلقی می‌شود. چنانچه مقصود از ارزش یافتن، تأثیر نظر دادیار در تعیین تکلیف نهایی تحقیقات باشد، این عقیده پذیرفتنی است؛ زیرا دادستان باید درخصوص تداوم تحقیقات اتخاذ تصمیم کند. دادستان می‌تواند نظر خود را درخصوص ادامه تحقیقات بر هریک از قضات دادسرا اعم از بازپرس و دادیار تحمیل نماید. اما اگر مقصود از ارزش یافتن نظر دادیار پس از موافقت دادستان، بی‌ارزشی اظهارنظر موصوف پیش از آن باشد، چنین برداشتی نادرست خواهد بود؛ زیرا اولاً اصل بر اثرگذاری هر واقعه است. دوماً آثار صدور یک سند رسمی مشتمل بر نظر قضایی و فراغت دادیار از امر ارجاع‌شده به وی مصون ماندن از ایراد انتظامی عدم اظهارنظر در موضوع مورد ارجاع، امری انکارناپذیر است.

#### پیشینه

ناجی زواره (۱۳۹۸) در کتاب خود ضمن بررسی و تبیین مفهوم، قلمرو و مبانی بی‌طرفی در دادرسی، به بررسی مقتضیات عملی بی‌طرفی در دادرسی کیفری می‌پردازد. همچنین به تحلیل مبانی و ضرورت‌های حضور دادستان در جلسه دادرسی و همچنین ضرورت حضور نماینده وی در این فرایند در راستای تبیین اصول دادرسی منصفانه پرداخته شده است.

نداشته و تبعیت مطلق دادیار از تصمیمات و سیاست‌های قضایی دادستان ضروری است.

#### ۱۶-۱- دادیار در مقام تحقیق

لازمه قضایی دانستن امر تحقیق، پذیرش استقلال دادیار در آن است. بنابراین نمی‌توان اختیار مداخله دائمی و بدون قید دادستان در امر تحقیق را پذیرفت. دادستان در صورت تمایل به تغییر مسیر انجام تحقیق توسط دادیار، می‌تواند انجام تحقیق خاصی را از وی بخواهد<sup>۱</sup> یا با توجه به مقررات از ارجاع پرونده به دادیار عدول کرده و تعقیب را خود برعهده گرفته یا به قاضی دیگری از دادسرا ارجاع نماید. در آنچه مربوط به انجام تحقیقات می‌شود؛ مانند صدور قرارهای تأمین یا قرارهای اعدادی، دادیار مستقل است و نیازی به کسب موافقت دادستان ندارد.

گاهی استقلال قاضی تحقیق‌کننده در دادسرا اعم از بازپرس یا دادیار به‌واسطه قوت یافتن مصلحت توجه به حقوق عموم و لزوم دخالت دادستان محدود شود. این موارد عبارت‌اند از: مکان نظارت دادستان، لزوم تبعیت مقام تحقیق‌کننده از تعلیمات دادستان، انجام تحقیقات موردنظر وی علاوه بر تحقیقات مدنظر خود<sup>۲</sup> و ضرورت اخذ موافقت دادستان در صدور قرار بازداشت موقت.

#### ۱۷-۱- استقلال قضایی دادیار

دادیار به‌عنوان پیگیری‌کننده حقوق جامعه (وکیل عمومی)، استقلال ندارد. از این رو برای تعقیب یک موضوع باید منتظر ارجاع دادستان باشد؛<sup>۳</sup> به‌عنوان نماینده دادستان در جلسه دادگاه حضور می‌یابد؛ بنابراین باید در جهت نظر دادستان برای پیگیری حقوق جامعه اقدام کند، هرچند این امر برخلاف نظر قضایی دادیار باشد. با این وجود، دادیار به‌عنوان قاضی تحقیق‌کننده دارای استقلال است. دو دلیل برای این امر می‌توان برشمرد: دلیل نخست، ضرورت استقلال در امر تحقیق

۱- ملاک بند «ه» ماده سه قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب.

۲- بند «ه» ماده ۳ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب: «دادستان در اموری که به بازپرس ارجاع می‌شود حق نظارت و دادن تعلیمات لازم را خواهد داشت و در صورتی که تحقیقات بازپرس را ناقص ببیند، می‌تواند تکمیل آن را بخواهد، ولو اینکه بازپرس تحقیقات خود را کامل بداند».

۳- ماده ۱۲ آئین‌نامه اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، مصوب ۱۳۸۱/۱۱/۹ رئیس قوه قضائیه: «ارجاع شکایات، درخواست‌ها و گزارش‌های ضابطان به شعب بازپرسی و دایاری و سایر امور مربوط به دادسرا با دادستان است. معاون دادستان یا دایاران به ترتیب تقدم در غیاب وی عهده‌دار انجام تمام یا برخی وظایف و اختیارات دادستان خواهند بود».

جست‌وجو در پایگاه‌ها و سایت‌های اینترنتی و بانک‌های اطلاعاتی و اسنادی، اطلاعات مرتبط جمع‌آوری شده و متناسب با موضوع تدوین شد.

### بحث و نظر

همان‌طور که در مقدمه تحقیق اشاره شد، دادرسی عادلانه و بی‌طرف یک حق برای هر جامعه محسوب می‌شود که قانون‌گذار و مسئولان دستگاه قضا باید بر لزوم آن توجه داشته باشند. دادستان در نظام قضایی به‌عنوان کسی که در مرحله تحقیقات مقدماتی و رسیدگی می‌تواند نقش پُررنگی داشته باشد و بالطبع نمایندگانی که از طرف او انتخاب شده، می‌توانند در این مهم تأثیرگذار باشند. در اینجا ابتدا به شرح موضوع و بیان وظایف دادستان و نماینده ایشان پرداخته و در ادامه به ابعاد دیگر موضوع می‌پردازد.

### ۲- وظایف نماینده دادستان در دادگاه

وقتی فردی متهم به ارتکاب جرم می‌شود، ممکن است در معرض خطر محرومیت از آزادی و دیگر ترسیمات قرار گیرد. حق دادرسی عادلانه، تضمینی است به‌منظور اطمینان بخشیدن به اینکه فرد به‌صورت غیرقانونی و ناعادلانه مجازات نشود. هر فردی باید به‌طور کاملاً مساوی از یک دادرسی عادلانه برخوردار شود. دادرسی عادلانه فرایندی است که مبتنی بر برخورداری متهم از کلیه حقوق دفاعی و امکانات و شرایط برابر با طرف مقابل جهت تدارک دفاع، که نقض معیارهای آن موجب سلب وصف انصاف از دادرسی و رعایت معیارهای آن نوبدبخش تحقق یک دادرسی منصفانه خواهد بود. داستان در پی‌ریزی و شکل‌گیری پرونده کیفری نقش بسزایی ایفا می‌کند و عدم رعایت الزامات دادرسی عادلانه در مراحل مختلف فرایند کیفری می‌تواند جریان دادرسی را به سمت اتخاذ تصمیمی ناعادلانه هدایت نماید. هرچند در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ پیشرفت‌های قابل‌ملاحظه‌ای در زمینه اصل بی‌طرفی، اصل تساوی، اصل استقلال مقامات قضایی و اصل تفکیک مقاطع مختلف دادرسی مشاهده می‌شود، ولی قانون‌گذار بدون توجه به معیارهای جهانی و بین‌المللی درخصوص نقش اساسی و مهم دادستان بر رسیدگی‌های کیفری موجبات یک دادرسی غیرعادلانه را فراهم کرده است (رحمدل، ۱۳۸۸: ۱۱۰). از وظایف متعدد دادستان بسیار گفته‌اند. برخی حقوقدانان بر تعداد وظایف تأکید کرده و گروهی بر وظایف خاص وی

خالقی (۱۳۹۴) در کتاب قانون آئین دادرسی کیفری، یکی از ابعاد مهم تحولات صورت‌گرفته در نیمه دوم قرن بیستم در زمینه آئین دادرسی کیفری، تقویت حقوق دفاعی متهم از طریق تسهیل دسترسی متهم به دادرسی عادلانه است. شروع این تحولات به سال‌ها پس از جنگ جهانی دوم و تنظیم اسناد بین‌المللی حقوق بشر بازمی‌گردد که هدف آن‌ها الزام دولت‌ها به رعایت حقوق بشر در دستگاه قضایی و تأمین شرایط لازم برای برگزاری یک دادرسی منصفانه بوده است.

قربانی (۱۳۹۰) مفاهیم آزادی و امنیت فردی را از دیدگاه دادگاه اروپایی حقوق بشر مورد بررسی قرار می‌دهد و اصول راهبردی دادرسی منصفانه را در اسناد بین‌المللی به بحث و کنکاش می‌گیرد. یکی از این موارد به ضرورت حضور نماینده دادستان در جلسه دادرسی در راستای حفظ حقوق عمومی مرتبط می‌شود که نویسنده موضوع را در پرتو اسناد فرا ملی مورد بررسی قرار داده است.

نقره‌کار (۱۳۸۸) درخصوص بیان جلوه‌ها و مصادیق بارز حقوق عامه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در کتاب «نقش دادستان در صیانت از حقوق عامه» به بررسی مسندنشین جایگاه مدعی‌العمومی و موضوع صیانت از حقوق عامه می‌پردازد و به‌صورت خاص، به نقش دادستان و نماینده وی به‌عنوان یکی از مبانی مرتبط با بحث یعنی حفظ حقوق عمومی اشاره شده است.

آشوری (۱۳۷۵) در کتاب خود به بررسی مفاهیم عدالت و انصاف از دیدگاه کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و همچنین به تحلیل و بررسی حق برخورداری از دادرسی منصفانه براساس ماده شش کنوانسیون پرداخته شده است و بخش‌هایی نیز به نقش دادستان در فرایند دادرسی منصفانه اشاره شده است. آخوندی (۱۳۷۸) ضمن تعریف محاکمه عادلانه به بیان متون و مستندات این نوع محاکمه پرداخته و شرایط یک محاکمه عادلانه را بیان می‌کند.

ترشل و سامرز (۱۳۸۵) به بررسی قلمرو اعمال حق بهره‌مندی از دادرسی عادلانه و همچنین جنبه‌های قلمرو این مقرر در اسناد بین‌المللی پرداخته و در پایان این دادرسی، محاکمه عادلانه را توصیف و تبیین می‌کند.

### روش تحقیق

در این تحقیق از روش توصیفی و تحلیلی استفاده شده و روش گردآوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای است. همچنین با

عهده‌دار بودن دادرسی با رعایت ترتیبات و قواعدی در کشف جرم، تحقیق و تعقیب متهم به جرم و تعیین مسئولیت مجرمین حسب مقررات قانونی، به‌خصوص اقامه دعوی از جنبه حق الهی و حفظ حقوق عمومی دارد و قانون‌گذار توجه و اشاره‌ای به حقوق متهم نکرده است. اما در سال ۱۳۹۲ با تصویب قانون آئین دادرسی کیفری، مقرر شد جدیداً احصاء و در ماده یک این قانون در تعریف قانون آئین دادرسی کیفری، رعایت حقوق متهم به‌عنوان یکی از ابداعات قانون‌گذار در کنار حقوق بزه‌دیده و جامعه به‌چشم می‌خورد و در ماده دو این قانون آمده است که دادرسی کیفری باید مستند به قانون باشد و حقوق طرفین دعوی را تضمین کند.

بنابراین با توجه به اینکه لفظ مدعی‌العموم، اطلاق بر عام داشته و متهم و مجرم را به‌عنوان فردی از عموم جامعه، دربر می‌گیرد و ملاحظه اظهارات متهم در مواجهه با همکاران قضایی در کسوت دادستانی و بالطبع نماینده آنان به این عبارت که شما نماینده و مدعی‌العموم ما نیز هستید و ما را نیز دریابید، دادستان و نماینده او را برخلاف رویه‌های سابق که حضور و تلاش آنها در جلسات دادگاه، صرفاً در جهت دفاع از کیفرخواست و دلایل مکتسبه و درخواست اشد مجازات برای متهم بود؛ بر آن می‌دارد تا ضمن رعایت حقوق وی، به‌خصوص حقوق دفاعی متهم و تساوی امکانات و ابزار دفاعی (برابری سلاح‌ها) به‌عنوان یکی از اصول و ارکان حاکم بر دادرسی عادلانه، که حقوق طرفین دعوی (متهم و بزه‌دیده) و جامعه را تضمین نماید، تلاش نموده تا علاوه بر تأمین حقوق بزه‌دیده و جامعه، با دفاع از متهم به‌عنوان یکی از عموم افراد جامعه با رعایت و اعمال اصل فردی‌کردن مجازات به‌عنوان یکی از اصول مترقی حاکم بر مجازات‌ها و توجه و بازنگری در پرونده شخصیت وی و لحاظ سوابق، وضعیت روحی و روانی، خانوادگی، مهارت، سن، وضعیت بزه‌دیده و شرایط و اوضاع‌و‌احوالی که موجب ارتکاب جرم شده است. در صورت استحقاق، بر روند دادرسی اثر گذاشته و موجبات بهره‌مندی وی از نهادهای ارفاقی نظیر تخفیف و تعلیق اجرای مجازات و... و بالعکس در صورت عدم استحقاق، موجبات تشدید مجازات و متنبه کردن وی و تأمین امنیت و حقوق بزه‌دیده و جامعه را فراهم کند؛ چراکه غالب بزهکاران بعضاً از فقر فرهنگی یا اقتصادی، کم‌سوادی و بی‌سوادی رنج برده و هیچ‌گونه بضاعت مالی و امکانات و ابزاری برای دفاع از خویش از جمله اختیار وکیل ندارند و در برخی پرونده‌ها و جرایم

پافشاری کرده‌اند. پرسش این است که از میان وظایف متنوعی که برای دادستان احصاء شده است، کدامیک مهم‌تر است؟ اگر دادستان مخیر باشد درخصوص مهم‌ترین وظیفه خود بنویسد؛ از کدامیک یاد خواهد کرد و در میان مزایای آن چه خواهد گفت؟ در جایگاه خود، کشف جرم را می‌ستاید که پیش از همه حتی ضابطان، نقشه‌های تبهکاران را کشف می‌کند؛ رازهای مگوی جنایات را فاش می‌سازد و سرپنجه‌های پولادین مجرمین اقتصادی را در طراحی نقشه‌های خود ناکام می‌گذارد؛ یا آنکه خود را در مقام تعقیب تبیین می‌کند که بی‌واهمه، هر مقام یا فردی را تعقیب می‌نماید؛ تبعیض را کنار می‌نهد و با سرپنجه تدبیر و قدرت عدالت، ناقضان قانون را منکوب می‌کند.

آیا شأن خود در تحقیقات مقدماتی را مهم می‌داند که در عین مبارزه با جرایم، از مقررات تخطی نمی‌کند و حقوق متهمان را پاس می‌دارد؟ شاید هم از وظیفه خود در نظارت بر روند رسیدگی در محاکم بگوید؛ نظارتی که نقش او را در کنار تعقیب متهمان و تقاضای تخفیف یا تشدید مجازات برای آنان دوچندان می‌کند؛ او می‌تواند افزون بر مدیریت قضایی در دادگاه‌ها، قوت استدلال خود را در اثبات اتهام علیه متهم به نمایش بگذارد؛ تا از حقوق جامعه دفاع کند و محکمه را در رسیدن به حقیقت یاری نماید و سرانجام، آنجاکه متهم را مستحق تخفیف می‌یابد، نگران تخریب چهره خود نیست. در این جایگاه است که دادگاه را نه به‌عنوان محل رفت‌وآمد پرونده، بلکه به‌عنوان جایگاه مقدسی می‌نگرد که صیانت از حقوق مردم در آن رقم می‌خورد؛ یا آنکه وظایف دادستان را در اجرای احکام دادگاه‌ها به محک بگذاریم؛ همه در تلاش هستند تا حکمی صادر شود و مردمان شاهد اجرای احکامی باشند که نمایانگر مبارزه قاطع با جرم و بزهکاری است (مدنی، ۱۳۸۸: ۷۶).

از نظر سیر تقنینی از ابتدای ورود نهاد دادرسی در نظام قضایی ایران بعد از انقلاب مشروطیت و با تصویب قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۰ تا انحلال دادرسی و حاکمیت دادگاه‌های عام و تصویب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در سال ۱۳۷۳ و مجدداً با احیاء دادرسی با قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در سال ۱۳۸۱، آنچه از محتوای مواد قانونی در تعریف آئین دادرسی کیفری و نهاد دادرسی آمده است، چه در ماده یک قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۰ و چه در ماده یک قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، همگی حکایت از

دادگاه نیز اصراری بر الزام به حضور آنان ندارد و این درحالی است که به‌خصوص با اجرای قانون کاهش مجازات‌های حبس تعزیری در سال ۱۳۹۹ غالب جرایم، در زمره جرایم در صلاحیت دادگاه‌های کیفری دو قرار گرفته که به جرایم عده زیادی از مجرمان رسیدگی می‌کند. بنابراین در چنین شرایطی تحقق یک دادرسی عادلانه محل تردید می‌باشد.

نویسنده مقاله حاضر در جایگاه دادستان، معتقد است که دادستان در کنار وظایف متنوع خود می‌تواند در ایفای نقش نمایندگان خود در محاکم با تدابیر و جدیت بیش‌تری اقدام کرده و مدیریت دادستان می‌تواند تلاش‌های این مقام را در کشف جرم، تعقیب و تحقیقات مقدماتی و رعایت حقوق طرفین پرونده (بزه‌کار و بزه‌دیده) و جامعه به ثمر نشاند. رویه کنونی دادستان‌ها در اعزام نمایندگان خود به محاکم، تابعی از تعداد پرونده‌ها نوع نگرش‌ها به امور قضایی، اهمیت پرونده‌ها و آثار اجتماعی و سیاسی آن‌هاست. تنوع پرونده‌ها و صراحت قانون بر حضور نمایندگان دادستان در جلسات دادگاه ایجاب می‌کند در این زمینه با جدیت بیش‌تری دنبال شود تا دادستان علاوه بر مدیریت پرونده‌ها، با اخذ گزارش از جلسات دادگاه در جریان فرایند دادرسی و سیر تحولات پرونده قرار گرفته و نقش نظارتی خود در محاکم را به‌خوبی ایفا نماید. به این ترتیب که ضمن دفاع از کیفرخواست و ادله تحصیل‌شده و دفاع از حقوق بزه‌دیده و جامعه، در صورتی که دلایلی له متهم یافت و یا وی را که به‌لحاظ فقر فرهنگی، اقتصادی، سواد و... مرتکب جرم گردیده و توان اختیار وکیل یا دفاع از حقوق خویش را ندارد و با وجود ارتکاب جرم، وی را مستحق یاری دید، به‌عنوان فردی از عموم جامعه دریافته و با مدنظر قرار دادن اصول برائت و فردی کردن مجازات‌ها، بر روند دادرسی اثر گذاشته و حسب مورد موجبات آزادی وی یا بهره‌مندی از نهادهای ارفاقی، نظیر تخفیف، تعلیق اجرای مجازات و... را فراهم کند.

باین‌حال در شرایط فعلی هم‌چنان کثرت وظایف دادستان و امور جاری و کمبود کادر قضایی موجب می‌شود تا نمایندگان دادستان حتی در جلسات رسیدگی به پرونده‌های مهم، حضور پُررنگی نداشته باشند؛ و اما حضور منظم آنان در محاکم نتایج مهمی به‌شرح ذیل را در پی دارد:

- حضور نماینده دادستان در محاکم تضمین‌کننده حقوق طرفین و جامعه برای رسیدن به یک دادرسی عادلانه است.

که از وکلای تسخیری یا معاضدتی برای متهم استفاده می‌شود، وکلا چندان تمایل و جدیتی برای پیگیری و دفاع واقعی از حقوق متهم نشان نمی‌دهند و نقش خود را به‌عنوان یک وکیل مدافع به‌درستی ایفا نمی‌نمایند؛ و لازمه یک دادرسی عادلانه، رعایت و حمایت‌های حداقلی مذکور از متهم و حقوق او در کنار حقوق بزه‌دیده و جامعه است که او نیز در کنار دست-اندرکاران عدالت کیفری به اهداف اصلی مجازات‌ها که همان دوباره اجتماعی‌شدن است، بنگرد (بکاریا، ۱۳۸۰: ۱۴).

نقش نماینده دادستان در پرونده‌ها با توجه به موضوع آن حتی در جرائم مشابه متفاوت است. در پرونده‌های جرایم سنگین مانند قتل، سرقت مسلحانه، آدم‌ربایی، مفاسد کلان اقتصادی و... وقت زیادی از نماینده دادستان، صرف قرائت کیفرخواست و ادله تحصیل‌شده، پاسخ به ایرادات، سوالات و دفاعیات متهم یا وکیل وی می‌شود. مکلف شدن نمایندگان دادستان به ارائه گزارش کتبی از نحوه اقدامات خود در دادگاه در دستورکار برخی دادستانی‌ها قرار گرفته است (جعفری‌دولت آبادی، ۱۳۹۰: ۵).

به این ترتیب، نماینده دادستان فرایند دادرسی را به دادستان گزارش داده و از این طریق دادستان را در مسیر تحولات پرونده قرار می‌دهد که البته این موارد را تنها در برخی پرونده‌ها به‌صورت محدود و در حد نمایش قانون مشاهده می‌شود و هرچند از زمان حاکمیت قانون احیاء دادرسی در سال ۱۳۸۱ و قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ شاهد نقض آراء محدودی به‌لحاظ عدم حضور نماینده دادستان در جلسات دادگاه از سوی برخی همکاران قابل‌مشاهده است؛ اما واقعیت این است که از سابق تاکنون به‌لحاظ کثرت وظایف و امور جاری دادستان و کمبود کادر قضایی، نمایندگان دادستان یا اغلب در جلسات دادگاه حضور ندارند و سعی بر رعایت مقررات شکلی و امضای صورت‌جلسات دادگاه بعد از پایان جلسه می‌گردد (آن هم در پرونده‌های در صلاحیت دادگاه کیفری یک و دادگاه انقلاب در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌شود) و یا اگر به‌صورت محدود حضور دارند به قرائت کیفرخواست اکتفا کرده و کُنش فعالانه تا پایان جلسه دادگاه ندارند و در مواردی هم که حضور فعالانه دارند، همانند گذشته سعی در دفاع از کیفرخواست و دلایل خود داشته و به حقوق متهم و حصول یک دادرسی منصفانه توجهی نمی‌کنند. در پرونده‌های در صلاحیت دادگاه کیفری دو که عملاً دادستان خود و نماینده‌اش را ملزم به حضور در جلسات دادگاه نمی‌دانند و



حس‌های تعزیری در سال ۱۳۹۹ به صلاحیت این دادگاه‌ها افزوده شده، رعایت این اصل و تحقق دادرسی عادلانه را با تردید مواجه ساخته است. بنابراین دادستان با توجه به اختیارات، امکانات و استقلالی که در انجام تحقیقات مقدماتی برعهده دارد، می‌تواند دلایل لازم به‌منظور اثبات نظر خود، یعنی مجرمیت متهم را تحصیل به محضر دادگاه کیفری ارائه کند (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۳۲). رسیدگی توافقی در دادگاه بدین معنا است که قاضی کیفری به‌عنوان فردی بی‌طرف و مستقل، در ترفع دلایل متهم و دادستان، به ارزیابی پرداخته و نظر خود را به‌عنوان شخص ثالث بی‌طرف در قالب رأی صادر کند. رسیدگی توافقی به حقوق دفاعی متهم کمک می‌کند؛ بدین‌صورت که متهم تاکنون در مرحله تحقیقات مقدماتی با محدودیت‌های مختلفی مواجه بوده، هم‌اکنون می‌تواند در مقابل دادستان دلایل خود مبنی بر بی‌گناهی را ارائه کند؛ هرچند امروزه رعایت اصل تساوی سلاح‌ها در رسیدگی‌های کیفری، مستلزم این است که حتی در مرحله تحقیقات مقدماتی نیز متهم همانند دادستان از ابزارهای مساوی برای اثبات بی‌گناهی خود برخوردار باشند. بنابراین نه‌تنها کار دادستان با صدور کیفرخواست به پایان نرسیده است، بلکه بخش دشوارتر دیگری با صدور کیفرخواست آغاز می‌شود؛ به‌عبارت دیگر دادستان درحال حاضر باید در محضر دادگاه کیفری ضمن دفاع از کیفرخواست و دلایل تحصیل شده در مرحله تحقیقات مقدماتی، می‌بایست در طول جلسات رسیدگی در مقام ترفع برآمده و در برابر متهم و وکیل مدافع وی، به دفاع از نظر خود بپردازد. باید توجه داشت که دادستان در رسیدگی کیفری یکی از اصحاب دعوی است؛ هرچند با وجود تصریح قانونی به این موضوع، در عمل هنوز این ذهنیت وجود دارد که دادستان و قاضی در یک طرف دعوی و متهم در طرف دیگر قرار دارد. یکی از دلایل ایجاد این ذهنیت شاید ریشه در دلایل ساختاری داشته باشد (جوانمرد، ۱۳۹۲: ۱۴۶).

بنابراین زمانی که دادستان به‌عنوان یکی از اصحاب دعوی تلقی می‌شود، باید کلیه آثار آن نیز بر دادستان حمل گردد؛ یکی از این آثار، ابلاغ دعوت از دادستان برای حضور در جلسات رسیدگی و حضور وی است (خزانی، ۱۳۷۷: ۱۵۱). متأسفانه در ماده ۳۰۰ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی، قانون‌گذار احتمالاً با توجه به محدودیت‌های عملی و کمبود نیروی انسانی که به هیچ وجه توجیه‌پذیر

نماینده دادستان در فرایند دادرسی نقاط ضعف و قدرت همکاران دادرسی را دریافته و با مطرح شدن در نشست‌های قضایی و آموزش نقاط قوت و انتقال به سایر قضات و اعلام نقاط ضعف و برطرف کردن آن، از تکرار در موارد مشابه جلوگیری می‌شود.

– ایجاد حس رقابت در مطالعه قوانین و مطالعه دقیق‌تر پرونده توسط مقامات دادگاه و دادرسی و در نتیجه اشرافیت بیشتر، تبادل نظر و انتقال تجربه بین قضات دادرسی و دادگاه.

– حضور نماینده دادستان در محاکم، از تجدید اوقات رسیدگی و بالطبع اطاله رسیدگی و نقض آراء در مرحله بالاتر جلوگیری می‌کند.

– حضور منظم نمایندگان دادستان در فرایند رسیدگی که اغلب توأم با هم‌فکری و مشورت در نشست‌های قضایی بعدی می‌گردد، ضمن توانمندسازی علمی قضات، موجبات نظارت دادستان بر فرایند رسیدگی و برطرف شدن نقاط ضعف و رفع نواقص و آموزش همکاران در مسیر کشف جرم، تعقیب و تحقیقات مقدماتی می‌شود.

از آنچه گفته شد ضرورت حضور نماینده دادستان در جریان روند دادرسی برای یک دادرسی عادلانه ضروری به‌نظر می‌رسد. از آنجایی که حضور نماینده دادستان در جلسه رسیدگی در انواع جرایم ممکن است متفاوت باشد، در ادامه به بررسی این موضوع و ابعاد دیگر آن پرداخته می‌شود.

### ۳- مسائل ماهوی و شکلی حضور نماینده دادستان در دادگاه

در نظام‌های کیفری مختلف، رسیدگی در مرحله تحقیقات مقدماتی به‌صورت تفتیشی و در مرحله رسیدگی در دادگاه کیفری، به‌صورت توافقی صورت می‌پذیرد؛ هرچند امروزه در بیش‌تر این‌گونه نظام‌ها، مرحله تحقیقات مقدماتی از ماهیت تفتیشی فاصله گرفته و حتی به‌سوی توافقی شدن درحال تحول است. تحولات قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی نشان می‌دهد که در نظام کیفری ایران نیز در مرحله تحقیقات مقدماتی، هرچند به ماهیت تفتیشی خود وفادار مانده، اما نشانه‌هایی از تحول و حرکت به‌سوی توافقی شدن نشان می‌دهد. همچنین تفکیک دو نهاد دادرسی از دادگاه خود متضمن رعایت اصل بی‌طرفی در رسیدگی است؛ زیرا منصفانه نخواهد بود که یک نهاد واحد هم وظیفه انجام تحقیقات و هم وظیفه صدور حکم را برعهده داشته باشد. هرچند وجود دادگاه‌های بخش مستقل، صلاحیت دادگاه‌های کیفری دو، در رسیدگی به جرائم درجه هفت که با مصوب شدن قانون کاهش

۱۳۹۰: ۱۶۵). شایان ذکر است که حضور دادستان یا نماینده وی در جلسه رسیدگی به پرونده کیفری در دادگاه کیفری یک، انقلاب در مواردی که نیاز به رسیدگی با تعدد قاضی دارد (درجه سه به بالا) و کیفری دو در صورتی که دادگاه لازم بداند، یک تکلیف قانونی است و اصولاً جلسه دادگاه نمی‌تواند بدون حضور دادستان یا نماینده وی تشکیل شده و به اتهامات متهم رسیدگی کند.

پرسش دیگری که در همین جا بر ذهن متبادر می‌شود، این است که آیا دادستان یا نماینده وی به‌جای حضور در جلسه دادگاه می‌تواند نسبت به ارسال لایحه اقدام کند؟ در پاسخ به این سؤال نیز باید گفت که دادستان یا نماینده وی نمی‌تواند به ارسال لایحه اکتفا نماید و همان‌طور که قبلاً عنوان شد، نقش نماینده دادستان در پرونده‌ها با توجه به موضوع آن حتی در موارد مشابه متفاوت است. ایرادات، شبهات، سؤالات و دفاعیاتی در هر پرونده از سوی متهم یا وکیل وی مطرح می‌گردد که لازم است نماینده دادستان در محضر دادگاه حاضر و به آن‌ها پاسخ مقتضی داده و دعوی عمومی نیز به‌حال خود رها نشود.

با بررسی رأی پرونده‌های متعددی که به دیوانعالی کشور صادر شده، مشاهده می‌شود عدم حضور دادستان یا نماینده وی می‌تواند در مواردی از عوامل نقص و نقض رأی در دادگاه بالاتر باشد، چه‌بسا رسیدگی عادلانه و صدور رأی براساس عدالت قضایی منوط به حضور ایشان باشد که روند دادرسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نظر به اینکه بنا به صراحت بند ج ماده ۱۴ (اصلاحی ۱۳۸۱/۷/۲۸) قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، شرکت دادستان و یا نماینده او، در جلسه دادگاه عمومی و جزایی و انقلاب ضروری و الزامی است، تشکیل جلسه دادگاه بدون شرکت دادستان و نماینده وی، برخلاف قانون و اصول دادرسی است. به‌علاوه دادنامه صادره نقض و جهت رفع نقص پرونده و رسیدگی مجدد و اصدار حکم مقتضی به دادگاه صادرکننده رأی ارجاع می‌شود.

#### نتیجه‌گیری

با توجه به مباحثی که مطرح شد، این‌گونه نتیجه‌گیری شده که نقش نماینده دادستان در پرونده‌ها، با توجه به موضوع آن حتی در جرائم مشابه متفاوت است. در پرونده‌های با جرایم سنگین مانند قتل، سرقت مسلحانه، آدم‌ربایی و... وقت قابل توجهی از نماینده دادستان صرف کیفرخواست و پاسخ به ایرادات، سؤالات و دفاعیات متهم یا وکیل وی می‌شود. از این‌رو مکلف شدن

نمی‌باشد، حضور دادستان یا نماینده وی را در دادگاه‌های کیفری دو الزامی ندانسته و آن‌ها را مفید به حضور در جلسه دادگاه و دفاع از کیفرخواست کرده است. این نظر را می‌توان با توجه به استفاده از واژه می‌توانند و مفهوم مخالف مگر اینکه دادگاه حضور این اشخاص را ضروری تشخیص دهد، استنباط کرد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که حضور دادستان یا نماینده وی، در دادگاه کیفری دو الزامی نیست، مگر اینکه دادگاه حضور آنان را الزامی بداند. از طرف دیگر حضور دادستان یا نماینده وی در دادگاه کیفری یک الزامی بوده و دادستان یا نماینده وی مکلف‌اند در دادگاه کیفری یک حاضر باشند. همچنین به جهت صراحت تبصره یک ماده ۳۱۵ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان در واقع شعبه‌ای از دادگاه کیفری یک است و به تصریح قسمت اخیر ماده ۳۰۰ آن قانون حضور دادستان در پرونده‌های کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان الزامی می‌باشد؛ بنابراین در مواردی که حضور نماینده دادستان در جلسات دادگاه الزامی است، با توجه به اینکه مقررات آئین دادرسی کیفری جنبه آمرانه دارد، در صورت عدم حضور دادستان یا نماینده وی، تخلف انتظامی محسوب می‌شود.

#### ۴- رأی دیوان

داسرا و در رأس آن دادستان که از وی به‌عنوان مدعی‌العموم تعبیر می‌شود، باید از کیفرخواست صادره خویش در دادگاه رسیدگی‌کننده به پرونده دفاع کند و در مقام دفاع از حقوق جامعه مساعی خویش را در احقاق حقوق تضییع شده اجتماع به‌کار گیرد. به‌عبارت دیگر، دادستان به‌عنوان نماینده جامعه باید در محضر دادگاه حاضر و در مقابل دفاعیاتی که متهم و وکیل مدافع وی در برابر قاضی دادگاه ایراد می‌کنند پاسخ دهد و او نیز متقابلاً از کیفرخواستی که علیه متهم صادر کرده به‌نحوه شایسته، مستند و مستدل دفاع کند. در عمل با عنایت به کثرت پرونده‌های کیفری و اینکه در معیت هر دادگاه جزایی تنها یک داسرا و یک دادستان وجود دارد و با توجه به وظایف دیگری که دادستان عهده‌دار انجام آن امور و تمشیت آن است؛ دایرانی که از آنان به‌عنوان نماینده دادستان تعبیر می‌گردد، به نمایندگی از دادستان در جلسات رسیدگی به پرونده‌های کیفری در دادگاه کیفری حاضر و در جریان محاکمه، از کیفرخواست صادره از ناحیه داسرا دفاع می‌کند (حسن‌زاده و صفرنیا شهری،

یا بهره‌مندی وی از نهادهای ارفاقی را فراهم کند؛ چراکه لفظ مدعی‌العموم اطلاق بر عام داشته و متهم را همانند سایر افراد جامعه به‌عنوان فردی از عموم جامعه دربرمی‌گیرد؛ و مرجع تجدیدنظر باید در صورت احراز عدم حضور دادستان یا نماینده وی در جلسه دادگاه، رأی صادره را به‌واسطه وجود این ایراد شکلی نقض نماید و از طرفی در دادگاه بدوی از موارد نقص تلقی و در راستای ماده ۳۴۲ قانون آئین دادرسی کیفری به‌منظور رفع نقص به دادسرا ابلاغ و نسبت به تجدید جلسه رسیدگی اقدام کند. متأسفانه حسب ماده ۳۰۰ قانون آئین دادرسی کیفری حضور دادستان و نماینده دادستان در دادگاه‌های کیفری دو الزامی نیست و همچنین وجود دادگاه‌های بخش، صلاحیت دادگاه‌های کیفری دو در رسیدگی به جرایم درجه هفت که با مصوب‌شدن قانون کاهش مجازات‌های حبس تعزیری در سال ۱۳۹۹ بر صلاحیت این دادگاه‌ها افزوده شده و جرایمی که به‌صورت مستقیم می‌بایستی در این دادگاه‌ها مورد رسیدگی واقع و تحقیقات مقدماتی صورت پذیرد، نظیر پرونده‌های منافیات عفت و... رعایت اصل بی‌طرفی و تحقق دادرسی عادلانه را با تردید مواجه ساخته است.

درحال حاضر، گاه کثرت وظایف و امور جاری دادستان موجب می‌شود نماینده دادستان در جلسه رسیدگی به پرونده مهمی شرکت نکند؛ این درحالی است که حضور منظم نمایندگان دادستان در محاکم، نتایج مهمی به‌شرح زیر در پی دارد.

– دادستان نقش نظارتی خود در محاکم را به‌نحو آگاهانه و علمی ایفا می‌کند.

– نماینده دادستان در خلال فرایند دادرسی، نقاط ضعف تحقیقات و ادله ابرازی در دادسرا و یا نقاط قوت عملکرد قاضی دادسرا را درمی‌یابد و با اعلام این موارد به دادستان، از تکرار نقاط ضعف در سایر پرونده‌ها جلوگیری می‌کند.

– در پرونده‌های مهم، دادستان می‌تواند با اعزام نمایندگان توانمند، به‌وظیفه نظارتی خود به‌نحو مطلوب عمل کند.

– رفتار قضات محاکم یا نمایندگان دادستان می‌تواند متضمن برخی نکات آموزشی باشد؛ مانند اینکه آیا دادگاه اجازه کافی به نماینده دادستان می‌دهد تا در حد لزوم به شبهات پاسخ دهد.

– نحوه رفتار قضات محاکم با طرفین پرونده و چگونگی طرح پرسش‌ها و پاسخ‌های ابرازی و نقشی که قاضی محکمه در رسیدگی به پرونده ایفا می‌کند، از موضوعات مهمی است

نمایندگان دادستان به حضور در جلسات دادگاه و ارائه گزارش کتبی از نحوه اقدامات خود در دستور کار برخی دادستانی‌ها است تا به این ترتیب در جریان فرایند دادرسی و تحولات پرونده قرار گرفته و نقش نظارتی خود در محاکم را ایفا کنند. در عمل با توجه به کثرت پرونده‌های کیفری و اینکه در معیت هر دادگاه جزایی تنها یک دادسرا و یک دادستان وجود دارد، وظایف متعددی برعهده دادستان است. بنابراین دادیاران به نمایندگی از دادستان در جلسات رسیدگی به پرونده‌های کیفری در دادگاه کیفری حاضر شده و در جریان محاکمه از کیفرخواست صادره از ناحیه دادسرا دفاع می‌نمایند. هرچند به‌لحاظ کمبود کادر قضایی در شرایط فعلی، نماینده دادستان یا عملاً در دادگاه حضور ندارد و یا در صورت حضور به قرائت کیفرخواست اکتفا و کُنش فعالانه نداشته و به حقوق متهم و حصول یک دادرسی عادلانه توجهی نمی‌کند و در عمل در حد نمایش قانون و سعی بر رعایت مقررات شکلی و امضای صورت‌جلسات دادگاه بعد از پایان جلسه می‌شود. شایان ذکر است که حضور دادستان یا نماینده وی در جلسه رسیدگی به پرونده‌های دادگاه کیفری یک، کیفری یک ویژه اطفال و نوجوانان و انقلاب در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌شود (درجه سه به بالا) یک تکلیف قانونی است. چه اینکه مقررات قانون آئین دادرسی کیفری، جنبه آمرانه داشته و در صورت عدم حضور دادستان یا نماینده وی، اهمال در انجام وظایف و تخلف انتظامی محسوب می‌شود و اصولاً جلسه دادگاه نمی‌تواند بدون حضور دادستان یا نماینده وی تشکیل شده و به اتهامات متهم رسیدگی نماید. عدم حضور دادستان یا نماینده وی در جلسه دادگاه موجب می‌شود تا جلسه دادگاه فاقد رسمیت بوده و بر رسیدگی دادگاه در چنین شرایطی اثری بار نشده و رسیدگی دادگاه فاقد اعتبار باشد؛ چراکه لازمه یک دادرسی عادلانه ایجاب می‌کند که نماینده دادستان با حضور در جلسه دادگاه، علاوه بر دفاع از کیفرخواست و ادله تحصیل‌شده و دفاع از حقوق بزه‌دیده و جامعه در صورتی که دلایلی له متهم یافت و یا با وجود ارتکاب جرم، وی را مستحق یاری دید با لحاظ و رعایت اصول برائت و برابری سلاح‌ها به‌عنوان یکی از اصول حاکم بر دادرسی عادلانه که حقوق طرفین دعوی و جامعه را تضمین نماید، تلاش نموده و درنهایت نیز با مدنظر قرار دادن اصل فردی‌کردن مجازات‌ها، در صورت استحقاق متهم، بر روند دادرسی اثر گذاشته و حسب مورد موجبات آزادی

به‌جای حضور در جلسهٔ دادرسی مبادرت به ارسال لایحه کرده و به‌وسیلهٔ لایحه از کیفرخواست خود دفاع کند؛ زیرا علی‌الاصول دفاع از کیفرخواست مستلزم استماع دفاعیات متهم و وکیل مدافع وی در محضر دادگاه و ارائهٔ پاسخ مقتضی است و چنانچه دادستان یا نمایندهٔ وی در دادگاه حضور پیدا نکند، دعوی عمومی به‌حال خود رها شده و دادگاه نیز که مرجعی بی‌طرف محسوب می‌شود، نمی‌تواند به دفاع از حقوق اجتماع پرداخته و از مفاد کیفرخواست دادستان دفاع و یا حمایت نماید؛ چه در غیر این صورت دادگاه از بی‌طرفی خارج و صلاحیت خود را در رسیدگی به پرونده از دست خواهد داد. حضور دادستان یا نمایندهٔ وی در جلسهٔ رسیدگی دادگاه مستلزم اطلاع این مقامات از زمان و مکان تشکیل جلسه دادرسی است؛ از این‌رو دادگاه‌ها مکلفند پس از تعیین وقت رسیدگی نسبت به ابلاغ وقت رسیدگی و محل تشکیل جلسه دادرسی به دادستان اقدام کنند و طبیعتاً با توجه به اینکه تحقیقات مقدماتی پرونده در دادسرا توسط بازپرس یا دادپاری به انجام رسیده که عهده‌دار دفاع از کیفرخواست نیست؛ از این‌رو دادستان یا نمایندهٔ وی قاعداً باید تا پیش از جلسهٔ رسیدگی، پرونده را دقیقاً مورد مطالعه قرار داده تا ضمن آگاهی از موضوع اتهام یا اتهامات انتسابی به متهم از دلایل و مستندات که له و علیه متهم در پرونده جمع‌آوری شده، اطلاعات لازم را تحصیل نمایند تا ابزار لازم را جهت دفاع از کیفرخواست صادره را در جلسه دادگاه در اختیار داشته باشند. به‌علاوه باید توجه داشت که لزوم حضور دادستان در جلسات رسیدگی دادگاه محدود به پرونده‌هایی که پس از پایان تحقیقات مقدماتی در دادسرا و صدور کیفرخواست به دادگاه ارسال می‌شوند نبوده و حضور دادستان یا نمایندهٔ وی در محاکماتی که به‌موجب قانون (جرائم اطفال، جرائم مشمول حد زنا و لواط و جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها فقط تا سه‌سال حبس باشد) به‌صورت و بدون صدور کیفرخواست در دادگاه مطرح می‌شوند نیز ضروری است؛ زیرا حضور دادستان یا نمایندهٔ وی در جلسات رسیدگی دادگاه صرفاً جهت دفاع از کیفرخواست نیست، بلکه دادستان علاوه‌بر وظیفهٔ دفاع از کیفرخواست، وظیفهٔ نظارت بر حسن اجرای قانون در جریان محکمت کیفری و در صورت امکان، تجدیدنظرخواهی از آراء صادره از محاکم جزائی را نیز برعهده دارد و در مواردی که رأی برائت صادره از دادگاه را بنا به جهاتی برخلاف قانون و یا مخالف با منافع اجتماع تشخیص دهد و یا عقیده بر محکومیت

که نمایندگان دادستان به آن توجه داشته و نسبت به آن اشراف می‌یابند.

– حضور نمایندگان دادستان در محاکم، از تجدید اوقات رسیدگی و بالطبع اطلاع دادرسی جلوگیری می‌کند.

– هم‌فکری و مشورت نمایندگان دادستان درخصوص پرونده‌های پیچیده، بر توانایی علمی همکاران قضایی می‌افزاید.

– اجتناب از شرکت در جلسات دادگاه‌هایی که دعاوی مطرح در آن‌ها به دادستان ارتباطی ندارد، از جمله مزایایی است که نمایندگان هوشیار دادستان به آن توجه خواهند کرد.

– حضور نمایندگان دادستان در محاکم، موجب می‌شود زمینه‌های استفاده از تجارب همکاران محاکم، برای نمایندگان دادستان و نیز انتقال این تجربیات به قضات جدیدالورود دادسرا فراهم شود.

– حضور قوی و کارآمد نمایندگان دادستان، موجبات نظارت دادستان بر فرایند رسیدگی و اصلاح فرایند دادرسی و رفع نواقص را در مسیر کشف جرم، تعقیب و تحقیقات مقدماتی فراهم می‌آورد.

با عنایت به کثرت پرونده‌های کیفری و اینکه در معیت هر دادگاه جزائی تنها یک دادسرا و یک دادستان وجود دارد و با توجه به وظایف دیگری که دادستان عهده‌دار انجام آن امور و تمثیت آن است؛ دادپارانی که از آنان به نمایندهٔ دادستان تعبیر می‌شود، به نمایندگی از دادستان در جلسات رسیدگی به پرونده‌های کیفری در دادگاه کیفری حاضر و در جریان محاکمه، از کیفرخواست صادره از ناحیهٔ دادسرا دفاع می‌کنند.

شایان ذکر است که حضور دادستان یا نمایندهٔ وی در جلسهٔ رسیدگی به پروندهٔ کیفری در دادگاه عمومی جزائی، انقلاب و دادگاه کیفری استان یک تکلیف قانونی است و اصولاً جلسه دادگاه نمی‌تواند بدون حضور دادستان یا نمایندهٔ وی تشکیل شده و به اتهامات متهم رسیدگی نماید. به‌موجب نص صریح مقررات بند «ج» ماده ۱۴ اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، دادگاه در صورت عدم حضور دادستان یا نمایندهٔ وی فاقد رسمیت بوده و بر رسیدگی دادگاه در چنین شرایطی آثاری بار نشده و رسیدگی دادگاه فاقد اعتبار است و مرجع تجدیدنظر باید در صورت احراز عدم حضور دادستان یا نمایندهٔ وی در جلسهٔ دادگاه رأی صادره را به‌واسطهٔ وجود این ایراد شکلی نقض کند. اهمیت حضور دادستان یا نمایندهٔ وی در جلسات رسیدگی دادگاه تا بدان‌جاست که دادستان نمی‌تواند

جایگاه اصلی خویش اعاده شده و به ایفای نقش مؤثری که قانون برای آنان تعیین کرده، اقدام کنند.

### ملاحظات اخلاقی

ملاحظات اخلاقی مربوط به نگارش متن و نیز ارجاع به منابع رعایت گردید.

### تقدیر و تشکر

از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، کمال تشکر را دارد.

### سهم نویسندگان

نگارش این مقاله بر اساس اصول نگارش مقالات حقوقی در تمامی مراحل تهیه پلان، جمع‌آوری منابع و نگارش مشترکاً توسط نویسندگان صورت گرفته است.

### تضاد منافع

این پژوهش فاقد هرگونه تضاد منافع است.

### منابع و مأخذ

#### الف- منابع فارسی

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۳). *حقوق جزای عمومی*. جلد اول. چاپ سی‌وسوم. تهران: میزان.
- آخوندی، محمود (۱۳۷۸). «حق بهره‌مندی از محاکمه عادلانه». *مجله حقوقی دادگستری*. ۲۷: ۱۶-۹.
- آشوری، محمد (۱۳۷۵). *آئین دادرسی کیفری*. جلد اول. چاپ اول. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- آشوری، محمد (۱۳۸۸). «اصل برائت و آثار آن در امور کیفری». *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*. ۲۹: ۶۴-۴۷.
- بکاریا، سزار (۱۳۸۰). *رساله جرایم و مجازات‌ها*. چاپ دوم. مترجم: محمدعلی اردبیلی. تهران: میزان.
- ترشل، استفان و سامرز، سارا (۱۳۸۵). «دادرسی عادلانه در امور جنائی». مترجم: علی شایان. *نشریه حقوقی دادگستری*. ۵۶ و ۵۷: ۳۱۰.
- جعفری دولت‌آبادی، عباس (۱۳۹۰). «نقش نماینده دادستان در دادگاه، حضور شکلی یا اعمال نظارت». *نشریه تعالی حقوق*. ۳: ۵-۹.
- جوانمرد، بهروز (۱۳۹۲). *فرایند دادرسی در حقوق کیفری ایران*. چاپ اول. تهران: بهنامی.

غیرقانونی متهم داشته باشد، می‌تواند پس از اطلاع از رأی دادگاه و در فرجه مقرر قانونی به آن اعتراض کند. شایان ذکر است که حضور دادستان یا نماینده وی حسب نص صریح مقررات ماده ۲۲ اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در دادگاه تجدیدنظر نیز الزامی است.

با این حال اشکال عمده‌ای که وجود دارد آن است که در حال حاضر و در رویه عملی به واسطه کمبود نیروی انسانی در دادرسی که عنوان نمایندگی دادستان را در دادگاه برعهده داشته باشند؛ عمده محاکمات کیفری بدون حضور دادستان یا نماینده وی انجام می‌شود و دادگاه‌های کیفری در مقام رسیدگی به پرونده‌های مطروحه در نزد آنان صرفاً به صورت جلسه کردن صوری حضور نماینده دادستان که حتی مشخصات هویتی وی نیز برای دادگاه در زمان تنظیم صورت‌جلسه رسیدگی مجهول است بسنده کرده و منتظر امضای صورت‌جلسه دادرسی توسط نماینده دادستان در آینده می‌مانند که بدین ترتیب باید گفت که در حال حاضر هرچند دعوی عمومی اسماً دارای صاحب است، ولی عملاً بلاصاحب تلقی می‌شود. به علاوه در مواردی نیز که نمایندگان دادرسی در جلسه رسیدگی دادگاه حاضر می‌گردند، حضور آنان صرفاً حضوری تشریفاتی و بی‌اثر است؛ چراکه نمایندگان دادستان، یا زحمت مطالعه پرونده را پیش از جلسه دادرسی به خود نمی‌دهند و یا به واسطه کمبود وقت و تعدد اشتغال، فرصتی جهت مطالعه پرونده محاکماتی و کسب اطلاعات لازم از پرونده را نداشته و در جلسه دادرسی نیز به صرف قرائت مفاد کیفرخواست و درخواست صدور حکم محکومیت متهم به شرح کیفرخواست صادره از دادرسی بسنده می‌کنند و بدین ترتیب توانایی و تسلط لازم را در جهت پاسخ‌گویی به ایرادات و دفاعیات وکیل مدافع متهم را نداشته و حقوق اجتماع را که وظیفه دفاع از آن به‌عهده ایشان واگذار شده را در معرض خطر تضییع قرار می‌دهند.

با این حال، چنانچه دادستان‌ها و نمایندگان آنان به تکالیف قانونی خویش دایر بر حضور در دادگاه کیفری عمل کنند و در جلسات دادرسی نیز حضوری موثر داشته باشند، در این صورت دادگاه نیز که مرجعی بی‌طرف محسوب می‌شود، عملاً نیز بی‌طرف باقی مانده و قاضی دادگاه در جریان رسیدگی نیازی به ایفای نقش نماینده دادستان و سرانجام خروج به اجبار از بی‌طرفی را نخواهد داشت. از این رو ضروری است تمهیداتی اندیشیده شود تا دادستان‌ها در جریان محاکمات کیفری به

- حسن‌زاده، مهدی و صفرنیاشهری، محمدرضا (۱۳۹۰). «اعتبار اظهار نظر دادیار». *مجله حقوقی دادگستری*، ۷۵، ۱۸۳-۱۵۷.
- خالقی، علی (۱۳۹۴). *آئین دادرسی کیفری*. چاپ اول. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- خزانی، منوچهر (۱۳۷۷). *فرایند کیفری*. چاپ اول. تهران: گنج دانش.
- رحمدل، منصور (۱۳۸۸). *دادرسی عادلانه و مقررات دادرسی کیفری ایران*. تازه‌های علوم جنایی؛ زیر نظر دکتر علی‌حسین نجفی ابرندآبادی. چاپ اول. تهران: میزان.
- رستمی، ولی؛ آقایی‌طوق، مسلم و لطفی، حسن (۱۳۸۹). *دادرسی عادلانه در مراجع اختصاصی اداری ایران*. چاپ اول. تهران: گرایش.
- عباسی، بیژن (۱۳۹۰). *حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین*. چاپ دوم. تهران: دادگستر.
- فضائلی، مصطفی (۱۳۸۹). *دادرسی عادلانه در محاکمات کیفری بین‌المللی*. چاپ دوم. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۳۸۸). *حقوق بشر در جهان معاصر*. جلد اول. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- قربانی، علی (۱۳۹۰). *دادرسی منصفانه در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر*. چاپ اول. قم: حقوق امروز.
- قورچی‌بیگی، مجید (۱۳۹۵). «ضرورت حضور نماینده دادستان در دادگاه از حضور صرف تا کنش فعالانه». *رویه قضایی حقوق کیفری ایران*. ۱: ۱۰۹-۱۰۳.
- محمدی‌گیلانی، محمد (۱۳۸۰). *قضا و قضاوت در اسلام*. چاپ پنجم. تهران: المهدی.
- مدنی، سیدجلال‌الدین (۱۳۸۸). *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*. چاپ چهاردهم. تهران: وفا.
- معاونت آموزش دادگستری تهران (۱۳۸۲). *مجموعه دیدگاه‌های حقوقی و قضایی دادگستری استان تهران*. جلد چهارم. تهران: بی‌نا.
- ناجی‌زواره، مرتضی (۱۳۹۸). *دییاجه آئین دادرسی کیفری*. چاپ اول. تهران: خرسندی.
- نقره‌کار، محمدصالح (۱۳۸۸). *نقش دادستان در صیانت از حقوق عامه*. چاپ اول. تهران: جاودانه جنگل.
- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۴). *حقوق بشر و آزادی‌های اساسی*. چاپ اول. تهران: میزان.
- قوانین**
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- ب- منابع انگلیسی**
- Reid Karen (2004). *A Practitioners, Guide to the European Convention on Human Rights*. 2nd Edition. Sweet and Maxwell.
- Synmonides, Janusz (2000). *Human Rights: Concept and Standards*. UNESCO.
- Leach, Philip (2005). *Taking case to the European Court of Human convention on Human Rights*. Second Edition. Oxford University Press.



## The Presence of the Prosecutor's Representative in Court and Its Impact on a Fair Trial

Bagher Shamloo<sup>1</sup>, Alireza Saybani<sup>2</sup>, Mohammad Reza Nezafat<sup>3\*</sup>

1. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran.

3. PhD Student, Department of Law, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

*Type of Article:*

**Original Research**

**Pages: 45-58**

**Corresponding Author's Info**

**ORCID:** 0000-0000-0000-0000

**TELL:** 00000000000

**Email:** m.r.nezafat1400@gmail.com

**Article history:**

**Received:** 29 Sep 2022

**Revised:** 24 Dec 2022

**Accepted:** 30 Dec 2022

**Published online:** 22 Dec 2022

**Keywords:**

Equality of Arms, Court Hearing, Fair Trial, Law, Representative of the Prosecutor.

### ABSTRACT

The role of the prosecutor's representative in cases varies according to its subject matter, even in similar crimes. He reports the trial process to the prosecutor, and through this, the prosecutor is informed about the developments in the case. Therefore, in this study, it examines and analyzes the objective sample of a lawsuit and, by stating the verdict issued by the court, examines the issue that the absence of the prosecutor or his representative in the hearing will lead to the violation of the verdict or Not? The results show unlike the former, the prosecutor and his representative urge that in court hearings, in addition to defending the indictment and the evidence obtained by observing and observing the principle of equality of arms, guarantee the rights of the litigants and society, and finally taking into account the individual principle. The imposition of penalties, if the defendant deserves it, will affect the trial process and enable him to benefit from benevolent institutions.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2022 The Authors.

**How to Cite This Article:** Shamloo, B; Saybani, AR & Nazafat, MR (2022). "The Presence of the Prosecutor's Representative in Court and Its Impact on a Fair Trial". *Journal of Contemporary Legal Thought*, 3(4): 45-58.